موزه گتی از نمایش آثار تقلبی چه سودی می‌برد؟

سرنوشتِ نامعلومِ محموله خارج شده از تخت‌جمشید در جنگ جهانی

آکیناکه‌های هخامنشیان از آنچه در موزه گتی رونمایی شد تا نمونه‌ای که در تخت جمشید مفقود شده است، ماجراهایی دارند که ابعاد آنها از تقویت بنگاه‌های خرید و فروش و جعل آثار باستانی تا کاوش‌های غیر مجاز و خروج آثار را دربرمی‌گیرد. محموله‌های باستانی که به ناگهان ناپدید شدند و آثاری که به هر طریق گمشده و پیدا نمی‌شوند.

به گزارش خبرنگار ایلنا، ماجرا از آکیناکه‌ای شروع شد که موزه گتی چندی پیش در قالب نمایشگاه «ایران باستان و جهان کلاسیک» در معرض دید عموم قرار داد. انتشار نخستین تصاویر از شمشیر طلایی منسوب به اردشیر اول هخامنشی گمانه زنی‌ها درخصوص تایید یا عدم تایید اصالت آن را به همراه داشت. برخی معتقد هستند از آنجا که کتیبه‌های دوره اردشیر اول چهار زبانه هستند و کتیبه این شمشیر سه زبانه است، اصالت آن را می‌توان زیر سئوال برد. باستان‌شناسی معتقد است از آنجا که این شمشیر بسیار پرنقش و نگار (دارای موتیف‌های فراوان) است، می‌توان آن را یک اثر جعلی دانست. حتا گفته شد؛ برخی از کارشناسان از متصدیان موزه گتی خواسته‌اند از خنجر یا همان آکیناکه نمونه‌برداری و آن را آزمایش کنند، اما آن‌ها زیر بار این درخواست نرفته‌اند. گروهی هم عنوان کردند پشت غلاف شمشیر دو حلقه دیده می‌شود که یک نوآوری‌ست و در موارد دیگر دیده نشده. در این میان برخی دیگر از باستان‌شناسان، جامعه را به صبوری و بررسی بیشتر رهنمون کردند.

تردیدها درخصوص تقلبی یا اصل بودن این شیء همچنان وجود دارد. در این میان بابک پارساجم (راهنمای گردشگری) با اشاره به آنکه سال‌هاست به واسطه شغلی که دارد بارها به تخت جمشید رفته و تک تک عناصر این میراث جهانی را برای گردشگران توضیح داده، به ایلنا گفت: نبشته‌ها و کتیبه‌ها روی شمشیرها رسم و آیینی کهن است که تا پس از ساسانیان هم دیده می‌شود. در آن زمان روی جنگ افزارها نام سلطان‌های دوران اسلامی نبشته می‌شد تا بدانند آن ابزار جنگی در چه دوره‌ای ساخته شده است. لذا می‌توان بر این گمان بود که اگرچه آن شمشیر زرین که نام اردشیر هخامنشی را با خود دارد برای خود شاهنشاه نباشد ولی نشان شاهنشاهی و یک شاهزاده یا بزرگ دربار را به همراه دارد که درنهایت می‌توان گفت آن را در زمان اردشیر هخامنشی ساخته‌اند.

این راهنمای گردشگری ادامه داد: روی شمشیر زرین در گتی نقش شهبازهای بسیار زیبایی در کنار قوچ‌ها دیده می‌شود. شهباز یا بالابان نشان شاهان هخامنشی بوده و نماد تیز پروازی و تیز بینی شاهان هخامنشی است که می‌تواند نماد سیمرغ خداوندگار مهر و ایزد مهر که زال را پرورش می‌دهد و شاهنامه فردوسی نیز به آن می‌پردازد، باشد. حتا بوریحان بیرونی نیز در کتاب تفهیم گفته «درفش هخامنشیان یک شاهین شهپر زرین بود که سپاهیان هخامنشی بر سر نیزه‌ها، آن را می‌افراشتند»؛ گزنفون نیز گفته است «درفش هخامنشیان یک شهباز بود»؛ همچنین تاریخ‌نویس یونانی به نام «آلیان» باور داشت هخامنش نیای شاهان هخامنشی را یک عقاب پرورش داده است. این سخن‌ها ما را به یاد شهباز یا شاهین درفش کاویانی چهار هزارساله شهداد کرمان می‌اندازد که به خوبی پیوستگی فرهنگ ایران زمین را بازگو می‌کند.

پارساجم در ادامه خاطرنشان کرد: «فَرَتَرَکه داران» که خود را بازمانده هخامنشیان می‌دانستند و پس از هخامنشیان سرزمین ایران را از جانشینان اسکندر مقدونی پس گرفتند و تا صد سال در فارس و جنوب و خلیج فارس و بلخ و هرات و... فرمانروایی کردند، نشانی همچون عقاب داشتند. گرچه پیش از همه آنها در جیرفت داستان آتنه یا هته، هوتن را می‌بینیم که به کمک عقاب، درست همچون کیکاووس در شاهنامه، به آسمان‌ها می‌رود. یا در دروازه سرزمین‌ها در ارگ پارسه که به نادرست ملل خوانده می‌شود، در پیکر فرشته نگهبان به نام «گوپت شاه» یا «گاومرد» یا «گیومَرتَن» یا «کیومرث» و همچنین در نقش شیرمرد و فر کیانی، فروهر و نقش کوروش در پاسارگاد و «مَردُوک» در میان رودان و سفال‌های جیرفت نیز بال شهباز به زیبایی دیده می‌شود. با گشتی در ارگ پارسه نیز می‌توان شاهد آن بود که درحال حاضر نیز در نقش برجسته‌ها چند گونه آکیناکه داشته‌ایم!

او تصریح کرد: اگر به نقش هدیه آوران در دیوار شمالی و خاوری کاخ آپادانا بنگریم و نقش مادها که در جلوی همه و در آغاز هستند و یا نقش سکاهای آریایی و راهنماهای پارسی و مادای را بررسی کنیم، می‌بینیم که آکیناکه‌های آن‌ها ساده و بدون نقش هستند. ولی شمشیرهای افسران پارسی و ماد در بخش‌های دیگر به ویژه در کاخ گفتگو یا شورا نیز در زیر نیام خود بخشی قوچ مانند یا گاو مانند دارند که درست مانند بخش زیرین نیام شمشیر زرین در بنیاد فرهنگی گتی است. با نگاهی به شاهنامه در داستان اردشیر بابکان می‌بینیم که قوچ نماد فر و شکوه شاه از سوی اهورامزداست. یا در نقش انسان بالدار در پاسارگاد می‌بینیم کلاهخود کوروش هخامنشی نیز شاخ قوچ دارد. حتا در بخش بار شاهی یا بار عام در گنجینه ارگ پارسه و همچنین همتای آن در دیرین کده (موزه) ایران باستان در تهران یک آکیناکه بر روی کمر فرمانده نگهبانان دربار و شمشیر دیگری بر روی کمر جنگ افزاردار شاه دیده می‌شود که درست مانند شمشیر زرین هخامنشی در بنیاد فرهنگی گتی، بر روی آن‌ها شمار نه قوچ پیاپی نقش شده است. ولی بدبختانه اینگونه به نظر می‌رسد، نیمی از آکیناکه نقش بار شاهی در ارگ پارسه که تا سال ۱۳۸۱ پای برجا بود، اکنون در مکان اصلی خود نیست.

پارساجم با اشاره به بررسی‌هایی که از سال ۱۳۹۸ دراین خصوص انجام داده، گفت: طی این بررسی‌ها دریافتم هیچ نشان و گزارشی در دست نیست که پس از سال ۱۳۸۱ نقش برجسته بار شاهی در گنجینه ارگ پارسه چگونه تخریب و یا ربوده شده است. افرادی که می‌گویند، چرا روی شمشیر زرین در گتی نقش‌های زیادی دیده می‌شود؟ باید آکیناکه‌های زرین در دیرینکده ایران باستان در تهران و آنچه در کتاب شاهپور شهبازی منتشر شده است را ببینند. یا شمشیرهای سکایی در موزه‌ی ارمیتاژ که از اروپای خاوری از سرزمین سکاها در اوکراین تا مولداوی پیدا شده‌اند را ببینند و بررسی کنند و شاهد آن باشند که این آکیناکه‌ها دارای نقش‌های فشرده و زیادی هستند و البته در خارج از مرزهای امروزی ایران هستند. نباید فراموش کرد که امروزه نشانه‌ها و به ویژه کتیبه‌هایی از داریوش شاه هخامنشی در فاناگوریای روسیه و همچنین گُلدانی در کاتوزای ایتالیا و کتیبه پارسی در رومانی بدست آمده که نشان از گستره قلمرو ایران تا اروپا دارد. داریوش شاه به آن‌ها می‌گوید «سکاهای آنسوی دریا» نکته دیگر و یکی از شگفتی‌های این شمشیر زرین نیز نبشته‌های آن به دبیره‌های «هَتَمَتی» (ایلام) و پارسی باستان و بابلی است که نام اردشیر هخامنشی را دربردارد.

او با تاکید بر آنکه هنوز جایگاه کاوش، پیدا و کشف شدن این شمشیر (آنچه در گتی به نمایش گذاشته شده) در ابهام است، ادامه داد: به تازگی شاهد آن هستیم که بنیاد فرهنگی گتی پس از شمشیر زرین، اینبار از نشانه‌ها و آثار سیمین دوران هخامنشی مانند گلدان و دوری (پیشدستی) و تکوک (ریتون) و کاسه فنجان‌هایی رونمایی کرده و نمایشگاه تا امرداد ماه، هشتم آگوست ادامه دارد و در اینستاگرام خود نوشته‌اند که اینها در تخت جمشید پیدا شده‌اند. نکته شگفت‌انگیز این است که بر روی این یافته‌ها و آثار به دبیره میخی نام اردشیر یکم هخامنشی نبشته شده است. می‌توان این گمانه را مطرح کرد که این یافته‌ها به همراه همان آکیناکه پیدا شده‌اند. حتا ممکن است این آثار در زمان کاوش‌هایی که اشمیت در خزانه یا گنجینه تخت جمشید انجام داده بود، پیدا شده باشند. گفتنی است که برخی مطرح کرده‌اند که در زمان جنگ جهانی دوم و آشوب در ایران نیز اشمیت بدون پروانه از دولت ایران یافته‌های زیادی را بسته‌بندی کرده و با کشتی به سمت شیکاگو فرستاده است که یکی از کشتی‌ها در دریای کارائیب با اژدر آلمانی‌ها نابود و غرق شد. چه بسا این هم یک سناریو و نمایشنامه برای گم شدن رد پای این یافته‌ها باشد؟! حال این سئوال مطرح می‌شود که چه پیوندی میان نابودی یا ربودن آکیناکه آرتابان در بار شاهی ارگ پارسه در این سو با جعلی و ساختگی خواندن آکیناکه در آن سوی آبها وجود دارد؟!

حمید فدایی (مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید) با اشاره به آنکه نقش بار عام مذکور که در ایوان شرقی خزانه تخت‌جمشید تاریخ طولانی دارد، به ایلنا گفت: این بخش در سال ۱۹۳۶م. به وسیله هیئت باستان‌شناسی دانشگاه شیکاگو، موسسه شرق‌شناسی کشف و طی مراحل مختلف مرمت شد. هرچند که این نقش‌برجسته در روزگار هخامنشی بر روی یک سنگ یکپارچه نقر شده است اما هنگامی که از زیر خاک بیرون آمد در نیمه راست کاملاً تخریب شده و در نیمه سمت چپ که سالم‌تر بود نیز برخی از قسمت‌های آن به‌شدت آسیب دیده بود. این آسیب شامل دشنه مورد اشاره نیز می‌شود؛ به‌گونه‌ای که به‌نظر می‌رسد بخشی از این دشنه نیز در میان قطعات جدا شده بود و بعد از آن به نقش مربوطه الصاق شده است. البته ای کاش این کار در آن زمان انجام نمی‌شد چراکه هیات باستان‌شناسی اشمیت آگاهی و اطلاع تخصصی درخصوص اصول مرمت نداشت چراکه موضوع کار آن‌ها نبود.

او ادامه داد: در آن زمان قطعات کوچک و بزرگ متعددی بدست آمد که به گنجینه تخت جمشید منتقل شد و سعی شد مرمت خاصی دنبال نشود. این امر هم از آن جهت بود که یا متخصص مرمت در گروه نداشتند یا آنکه اولویت آن‌ها به کاوش بود تا مرمت. در این میان قطعات بزرگ سنگ نیز دیده می‌شود که در بخش‌هایی کارهایی روی آن انجام شده. بر اساس تصاویری که بدست آوردیم تصورمان آن است که نخستین مرمت بر روی آکیناکه (بار شاهی) مربوط به دوره کاری هیات اشمیت است. پس از برپا کردن این نقش از آنجا که بخش آسیب دیده در نیمه سمت‌راست وضعیت مطلوبی نداشته است و احتمال افتادن و خرد شدن آن می‌رفت؛ این صفحات سنگی را در همان زمان به انبار موزه تخت‌جمشید منتقل می‌کنند؛ امّا نیمه سمت چپ که سالمتر مانده بود در جای اصلی خود باقی گذاشته شده و با سایبانی از آجر، با سه ستون آجری مرمت شده است. بیشترین مرمت‌ها در دوره «تیلیا» انجام می‌شود.

فدایی با اشاره به مرمت‌هایی که در دهه ۴۰ خورشیدی در تخت جمشید صورت گرفته، خاطرنشان کرد: پس از آن در زمان سرپرستی تیلیا تصمیم گرفته می‌شود که این نقش مجدداً مرمت و بخش‌های منتقل شده به انبار موزه نیز بدان اضافه شود و این کار صورت می‌گیرد و در جایگاه کنونی نصب می‌شود. بررسی‌های ما نشان می‌دهد که با حضور ایزمئو در تخت جمشید، تیلیا سعی می‌کند که قطعات بار شاهی را در گنجینه بازیابد و به جای نخست خود بازگرداند و حتا سقف را نیز جمع می‌کند. در همان دوره، تیلیا قسمت‌های دیگر نقش را پیدا نمی‌کند و بخشی از آن‌ها که بیشتر به بخش سمت راست نقش مربوط هستند، در اوایل دهه ۷۰ شمسی توسط استادکاران تخت جمشید وصالی و قطعه‌یابی می‌شود. این کار توسط راهساز انجام می‌شود. البته براساس بررسی‌ها درخصوص دشنه بارشاهی می‌دانیم که در تصاویری که از سال ۱۳۷۲ داریم اثری از این دشته وجود ندارد. حدس ما آن است که این امکان وجود دارد که دشنه (اکیناکه) مزبور به خاطر شرایط نامطلوب استقرار طی فواصل زمانی پایان دهه ۵۰ تا ۶۰ خورشیدی یکبار دیگر جهت مرمت از بدنه نقش‌برجسته جدا و مفقود شده است. شاید سرقت یا چیزی شبیه به آن در کار نباشد و احتمالا این امر به همان وصالی بازمی‌گردد که در دوره اشمیت انجام و در دوره تیلیا نیز مورد توجه قرار نمی‌گیرد و در واخر دهه ۵۰ شمسی، افتاده و جدا شده باشد. باز تصورمان آن است که این دشنه دو تکه باشد که قطعه بالا و پایین را دربرمی‌گیرد. البته ممکن است با جستجو در مخزن که طی یکی دو هفته گذشته انجام شد، بتوانیم آنرا پیدا کنیم.

اما از آنجا که قطعه دو یا چند تکه و کوچک است، پیدا کردن آن کار سختی است. ضمن آنکه بخش سنگ مخزن تخت جمشید، بسیار بزرگ و مملو از اشیاء است. امیدواریم بتوانیم این قطعه را پیدا کنیم. اما این مهم تاکنون به ثمر نرسیده است و نتوانستیم آنرا پیدا کنیم.

مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید اذعان داشت: از آنجا که مدت زیادی از ناپدید شدن این آکیناکه می‌گذرد و ما این احتمال را می‌دهیم که قبل از سال ۱۳۷۲ و در دهه ۶۰ گم شده باشد از این رو پیدا کردن آن کار دشواری خواهد بود.

او در پاسخ به این سئوال که بر اساس تصاویر منتشر شده توسط مجله گتی که توسط دی آگوستینی در ۱ ژانویه ۲۰۰۳ عکاسی شده، آکیناکه بارعام شاهی سالم دیده و عکاسی شده، گفت: به طور قطع این یک اشتباه است. فوتوگرامتری این بخش را در سال ۱۳۸۳ انجام دادیم و خروجی آن در سال ۱۳۸۴ منتشر شد و بر اساس مستندنگاری‌های انجام شده، اثری از آکیناکه دیده نمی‌شود. حتا تصاویری از سال ۱۳۷۲ در دست داریم که آکیناکه وجود ندارد. بنابراین تصور ما آن است که عکسی که توسط مجله گتی منتشر شده به قبل از دهه ۷۰ و ۸۰ میلادی بازمی‌گردد. البته مرمت‌هایی در حدود سال ۱۳۷۲ نیز آغاز شده بود که بخش‌هایی به این بار شاهی افزوده شد. از این مرمت‌ها تصاویر سیاه و سفیدی داریم و باید با بررسی اصل تصاویر این مهم را بررسی کنیم که در زمان مرمت در آن سال‌ها چه اتفاقاتی افتاده است.

فدایی در پاسخ به این سئوال که شبهاتی درخصوص چگونگی کشف و خروج برخی از آثار که این روزها توسط موزه گتی به نمایش گذاشته شده‌اند وجود دارد، چراکه علاوه بر حواشی که درخصوص اصل یا تقلبی بودن آکیناکه به نمایش گذاشته شده وجود دارد، بدون آنکه گتی اطلاعاتی درخصوص محل کشف این آکیناکه اعلام کند، درصدد نمایش تعدادی از اشیاء باستانی ایران برآمده که گفته می‌شود محل کشف آن‌ها تخت جمشید است، گفت: به زودی بیانیه‌ای رسمی به این موسسه خواهیم نوشت. گتی برخلاف رسالتی که موزه‌ها دارند، کارهایی انجام داده که سبب شده ما برگزاری نمایشگاه «ایران باستان و جهان کلاسیک» را یک پدیده فرهنگی ندانیم. در این نمایشگاه آثاری ارائه شده‌اند که بسیاری از متخصصین در مورد اصالت آن شبه دارند و معتقد هستند حتا در پس این موضوع نام پر آوازه موزه گتی ویلا هم سبب نشده که مهر اصالت بر این آثار بخورد. در پس این موضوع تعدادی از ایران‌شناسان مطرح وجود دارند که حتا حضور آن‌ها هم نتوانسته اصالت این مجموعه یا بهتر بگوییم بنگاه‌های اقتصادی که گرد آورنده مجموعه بودند را تامین کند. مافیای جستجو، کشف و خرید و فروش آثار تاریخی، بااستفاده از طلای همین بنگاه‌های اقتصادی است که با عنوان موزه گتی یا هر نام دیگر با شعار آنکه می‌خواهند به تمدن ایران بپردازند اما بیش از آنکه اهداف فرهنگی داشته باشند، خسارت برای تاریخ و مملکت ما به همراه دارند. اینچنین فعالیت‌هایی، بازار خرید و فروش آثار تاریخی غیر مجاز را رونق می‌دهد.

او در پاسخ به این سئوال که آیا می‌توان گفت آثاری که هم اکنون توسط موزه گتی تحت عنوان نمایشگاه «ایران باستان و جهان کلاسیک» در معرض دید عموم گذاشته شده‌اند، آثار دزدیده شده از ایران هستند، گفت: آن‌ها هیچ مدرکی از پیشینه این آثار ارائه نمی‌دهند و اطلاعاتشان بر اساس همان بازار داد و ستدی است که هر روز گرم‌تر و گرم‌تر می‌شود. آن‌ها به این بازارها و روش‌های نامتعارف که حفاری غیر مجاز و حتا سرقت است، رونق می‌دهند. اینها پیامدهای منفی است که به تب تندی که بین عوام به عنوان گنج‌یابی مرسوم شده، دامن می‌زند. پیام برگزاری چنین نمایشگاه‌هایی بسیار خسارت‌بار است. این آثار نه به واسطه کاوش‌های علمی متعارف بلکه به واسطه گرم نگهداشتن بازار عتیقه و حتا مباحثی مانند جعل آثار که توسط بنگاه‌های اقتصادی عرضه می‌شود، مطرح است. طی چند سال گذشته، بخصوص در ایران شاهد کاوش‌های غیر مجاز و توسعه و رونق بازار آن هستیم. در تخت جمشید هم با این موضوعات درگیر هستیم.

به گفته فدایی، نظر بسیاری از محققین آن است که آکیناکه به نمایش درآمده در گتی تقلبی است و موزه گتی نیز در این خصوص پاسخ صحیحی ارائه نداده است. نقش‌های شلوغ، خطی که در آن تردید وجود دارد و مواردی از این دست شبهاتی است که مطرح شده و پاسخی دریافت نکردیم.

او درخصوص احتمال خروج آکیناکه بار شاهی از کشور و اینکه آیا ممکن است بخشی از آثاری که امروزه توسط گتی به نمایش درآمده بخشی از همان آثاری باشد که توسط اشمیت در زمان جنگ جهانی از کشور خارج و گفته شد اژدر به آن برخورد کرده، نیز گفت: تمام این موضوعات فرض و گمان هستند. اینکه در آن محموله چه بوده و نبوده برای ما مشخص نیست چراکه بخشی از اطلاعات کاوش‌های موسسه شرق‌شناسی را در دوره ارنست امیل هرتسفلد نداریم. این موضوع صحت دارد که بخشی از این آثار از ایران خارج و در نهایت غرق شده است. این موضوع یک پرونده و داستان شگفت‌انگیز است که شاید زمانی بتوانیم بر روی این موضوع تمرکز کنیم. هر قطعه از این آثار می‌تواند پازلی از دوره هخامنشیان را برای ما حل کند. البته گتی در ایران کاوشگر نبود و این نمایشگاهی است که برگزاری آن به این موزه پیشنهاد شده و از زمره آثار شخصی یک فرد است که ما اطلاع نداریم آن فرد کیست. به نظر می‌رسد اینها هویت سازی‌های غلطی است که انجام می‌شود و حتا برخی از ایران‌شناسان نیز برای آنکه برای چنین مجموعه‌ها و مجموعه‌دارانی هویت بیاورند و آن‌ها را واقعی جلوه دهند وارد این کار می‌شوند. ما به عنوان پایگاه میراث جهانی تخت جمشید طی روزهای آینده بیانیه‌ای در این خصوص صادر خواهیم کرد و علت تعلل در صدور این بیانیه آن بود که بتوانیم زمان لازم برای کسب اطلاعات در این خصوص را داشته باشیم. بیانیه ما صرفا ماهیت مادی این مجموعه را مد نظر ندارد بلکه دغدغه ما هویت بخشی به برخی از گروه‌های کاوشگر غیر مجاز و بنگاه‌های اقتصادی خرید و فروش و البته جعل آثار باستانی و تاریخی است.

مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید درخصوص این مهم که آیا اطلاعات و آماری درخصوص تعداد آثار گم شده، دزدیده یا خارج شده از تخت جمشید و خروجشان از ایران در دست است یا خیر، گفت: داریم روی این موضوع کار می‌کنیم. یکی از مسائلی که در حوزه استرداد می‌توانیم دنبال کنیم وجود همین اطلاعات است. در مورد تخت جمشید پرونده‌هایی وجود دارد که باز است و پیگیری می‌کنیم اما اطلاعات آن را نمی‌توان مطرح کرد. نباید فراموش کرد که طی سالیان گذشته بخشی از اشیاء مانند الواح هخامنشی به صورت قانونی از کشور خارج شده‌اند اما پس داده نشدند و اکنون با پیگیری‌های زیاد در حال بازگردانده شدن هستند. حتا قطعاتی داریم که در دوره‌های مختلف برای نمایش به موزه‌های دیگر امانت داده شدند اما تمام آن‌ها بازگردانده نشدند. حتا قطعاتی داریم همانند سر سرباز هخامنشی که سرقت شده‌اند. آن بخش تنها یک قطعه نیست بلکه ۵ تا ۶ قطعه است که ما یک قطعه آن را پیدا کردیم و بازگرداندیم. باید به دنبال سایر قطعات آن باشیم چراکه همزمان با کاوش‌های انجام گرفته، سرقت شده‌اند. پرونده اینها در جریان است هر زمان پیدا شوند استرداد می‌شوند. شاخص سرقت‌های انجام شده در سال ۱۹۳۶ در بخش پله‌کان شمالی کاخ شورا بود که یک قطعه آن بازگشت اما چندین قطعه آن باید پیگیری و بازگردانده شوند.

کارگردان فیلم «طلاخون» از اکران فیلمش پشیمان است

کارگردان فیلم «طلاخون» می‌گوید، اگر می‌دانست که شروع اکران فیلمش با نمایش تعداد زیادی فیلم همراه می‌شود باز هم در نوبت اکران می‌ماند واز این اکران پشیمان است و در ادامه می‌پرسد که آیا بخاطر مشکلات اکران در دو سال قبل کرونایی، باید همه چیز را در همین یک سال جبران کرد؟

به گزارش ایسنا، ابراهیم شیبانی حدود چهار سال قبل شروع به ساخت فیلمی تازه با نام «طلاخون» کرد. او ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۱ سه فیلم «زهر عسل»، «صحنه جرم ورود ممنوع» و «هیچ کجا هیچ کس» را ساخته بود و در سال ۱۳۹۹ با «طلا خون» متقاضی حضور در جشنواره فیلم فجر سی‌ونهم بود؛ جشنواره‌ای که متقاضیانش به دلیل شیوع کرونا و کاهش تولیدات سینمایی، توسط یک هیات به طور همزمان انتخاب و داوری شد.

او این فیلم را از ابتدای تیرماه که انتظار می‌رفت با فروکش کردن شیوع کرونا، گیشه سینما وضع بهتری داشته باشد اکران کرد ولی اتفاق‌هایی افتاده که او را از این تصمیم پشیمان کرده است.

شیبانی در گفت‌وگویی با ایسنا با بیان انتقادی که این روزها بسیاری از صاحبان فیلم‌های در حال اکران مطرح می‌کنند اظهار کرد: به نظر می‌رسد سیاست‌های سازمان سینمایی براین است که تا جای ممکن فیلم اکران شود در صورتی که با اضافه شدن چند فیلم جدید هر یک هفته یا دو هفته در میان، فرصت کافی برای اینکه فیلم‌های قبلی مخاطب خود را پیدا کنند ایجاد نمی‌شود آن هم در شرایطی که وضع تبلیغات را می‌دانیم؛ ما نه تیزر تلویزیونی داریم و نه تبلیغات محیطی گسترده. او افزود: طبق آنچه در ماه‌های اخیر شاهد بودیم، فقط فیلم‌های دولتی از عنایت‌های ویژه برای تبلیغات برخوردار می‌شوند و حتی برنامه زنده تلویزیونی هم برایشان تدارک دیده می‌شود در حالی که خوب می‌دانیم آن فیلم‌ها توسط کجا و با چه بودجه‌ای ساخته شده‌اند. به این ترتیب برای بقیه فیلم‌ها فقط تبلیغ در فضای مجازی باقی می‌ماند و اینکه شاید از طریق اسپانسر بتوانیم چند بیلبورد محدود شهری با قیمت بالا در اختیار بگیریم.

کارگردان «طلا خون» ادامه داد: نکته مهم دیگری که به‌جز ماجرای تبلیغات با آن روبرو شده‌ایم سانس‌های گردشی است که به معضلی بزرگ برای ما تبدیل شده است. پیش‌تر یک سالن به نمایش فیلمی اختصاص داشت و مخاطب فقط سانس مورد نظر خود را انتخاب می‌کرد اما الان کسی که بخواهد «طلا خون» را ببیند باید جستجوی زیادی کند تا ببیند در چه سینمایی می‌تواند سانس مناسب پیدا کند چون در برخی سینماها فقط یکی دو سانس با فاصله زیاد درنظر گرفته‌اند و در واقع هر کسی که زورش بیشتر باشد سانس‌های پشت سر هم را در بهترین ساعت‌ها می‌تواند داشته باشد.

وی با اشاره به اینکه گزارش‌هایی در این مورد دریافت کرده و این مسئله فقط گریبان فیلم او را نگرفته است، گفت: به نظرم فقط بخشی از این ماجرا به سینمادار برمی‌گردد و بخشی دیگر به مدیریت سینما در وزارت ارشاد مربوط است که در یک فاصله زمانی کم، چند فیلم را پشت سر هم اکران کرده است. آیا به خاطر اینکه دو سال نتوانسته‌ایم فیلمی اکران کنیم باید در همین یک سال، همه چیز را جبران کنیم؟ آیا فکری شده که چه بر سر سرمایه‌های شخصی خرج شده برای تولید فیلم‌ها می‌آید؟ من خودم در ساخت «طلا خون» سرمایه‌گذاری کرده‌ام و اگر می‌دانستم شرایط اکران به چه شکل است و قرار است در یک هفته، چند فیلم جدید اضافه شوند، امکان نداشت آن را اکران کنم چرا که در همین هفته قبل که فیلم‌های جدید اکران شدند باز هم از سانس‌ها و سالن‌های فیلم من کم شد؛ فیلمی که تنها ۲۰ روز از شروع اکرانش می‌گذرد.

شیبانی تاکید کرد: استارت یک فیلم در اکران بسیار مهم است، اما متاسفانه با وجود رضایتمندی بیشتر تماشاگرانی که فیلم را دیده‌اند، آنطور که دلخواهم بود اکران را پیش نمی‌بریم. او درباره وضعیت اکران در شهرهای دیگر هم گفت: متاسفانه در بیشتر شهرها اصلاً سالن نداریم و اگر هم می‌داشتیم باید به این نکته توجه کنیم که وقتی در مدت سه هفته از شروع اکران فیلم «طلا خون»، حدود پنج فیلم دیگر به چرخه اکران اضافه شده، مردم در این وضعیت اقتصادی چطور برای سینما رفتن برنامه‌ریزی کنند؟ اصلا با هزینه‌های بالای زندگی چند فیلم را می‌توانند برای تماشا انتخاب کنند؟ در این بین برخی فیلم‌ها، بلیت با قیمت شناور می‌فروشند، ولی این کار برای فیلم‌های دولتی است چون برای فیلمی که با سرمایه شخصی ساخته شده است، انجام چنین کاری برای ما شدنی نیست. «طلاخون» به تهیه‌کنندگی حسن کلامی با حضور بازیگرانی همچون شهاب حسینی، حسام منظور و زری خوشکام ساخته شده است.

اخبار کوتاه

سریال کمدی پیمان قاسم‌خانی منتشر شد

اولین قسمت از سریال «روزی روزگاری مریخ»، سه‌شنبه - ۲۱ تیر ماه - از دو پلتفرم «فیلیمو» و «نماوا» پخش شد. به گزارش ایسنا به نقل از روابط عمومی سریال، کمدی «روزی روزگاری مریخ»، به کارگردانی مشترک پیمان قاسمخانی و محسن چگینی و تهیه‌کنندگی محسن چگینی، به شبکه نمایش خانگی آمد. طراحی و سرپرستی نویسندگان «روزی روزگاری مریخ» را پیمان قاسم‌خانی به عهده داشته است و در خلاصه داستان این سریال آمده: در روزگاری هستیم که همه موجودات از سیارات مختلف به مریخ سفر می‌کنند ... شما چطور؟ مخاطبان می‌توانند این سریال را سه شنبه‌ها ساعت هشت صبح از پلتفرم‌های فیلیمو و نماوا تماشا کنند. سام درخشانی، ویشکا آسایش، امیر نوروزی، امیر کاظمی، بهادر مالکی، امیرمهدی ژوله، نوشین تبریزی، عبدالله روا، رامین ناصر نصیر، فلامک جنیدی، بهروز رهبری‌فر، پیمان فاطمی، کاظم نوربخش و مهراب قاسم‌خانی در این سریال به ایفای نقش پرداخته‌اند.

«مردن در آب مطهر» نامزد جوایز گلدن گلوبال مالزی شد

فیلم سینمایی «مردن در آب مطهر» ساخته نوید محمودی در چهار بخش از جوایز گلدن گلوبال کشور مالزی نامزد کسب جایزه شد. به گزارش ایسنا، «مردن در آب مطهر» به نویسندگی و کارگردانی نوید محمودی و تهیه کنندگی جمشید محمودی در جشنواره فیلم مالزی که پنجمین دوره ی آن از ۱۹ تیرماه آغاز شده و تا ۲۴ تیرماه (۱۰ تا ۱۵ جولای) ادامه دارد دو نمایش برای مخاطبان خواهد داشت و در جوایز فیلم گلدن گلوبال که همراه با این جشنواره برگزار می‌شود نیز نامزد کسب جایزه شده است. مراسم اختتامیه این جشنواره ۲۵ تیرماه (۱۶ جولای) برگزار می‌شود که فیلم برادران محمودی نامزد چهار جایزه در بخش‌های بهترین فیلم، بهترین بازیگر زن نقش اصلی (ندا جبرئیلی)، بهترین بازیگر نقش مکمل مرد (متین حیدر نیا) و جایزه بخش امید تازه شده است. «مردن در آب مطهر» فیلم برگزیده جشنواره فجر در جشنواره فیلم بوسان نیز موفق به کسب جایزه «کیم جی سئوک» شد. عاشقانه نوید محمودی قصه چند جوان مهاجر افغان را روایت می‌کند که قصد رفتن به اروپا را دارند. علی شادمان، ندا جبرائیلی، متین حیدرنیا، صدف عسگری و سوگل خلیق علیرضا آرا، امیررضا رنجبران، خیام وقار، پیمان مقدمی، مهتاب جعفری، فرید اسحاقی، فاطمه شکری، محیا رضایی، فاطمه میرزایی و علیرضا مهران در این فیلم نقش آفرینی کرده اند.

خالق موسیقی سری فیلم‌های «جیمز باند» درگذشت

مانتی نورمن که به ساخت موسیقی تم مجموعه فیلم‌های «جیمز باند» شناخته می‌شود، در ۹۴ سالگی از دنیا رفت. به گزارش ایرنا از گاردین، مانتی نورمن، آهنگساز موسیقی تم مجموعه جیمز باند، روز گذشته (دوشنبه، ۲۰ تیر) پس از یک دوره کوتاه بیماری در سن ۹۴ سالگی درگذشت. معروف‌ترین اثر کارنامه هنری این آهنگساز انگلیسی، قطعه‌ای بود که برای قسمت اول از مجموعه جیمز باند یعنی دکتر نو (۱۹۶۲، ترنس یانگ) با بازی شان کانری ساخت. این قطعه که جان بری تنظیم آن را برعهده داشت، در نهایت به موسیقی تم کل این مجموعه جاسوسی تبدیل شد. از آنجایی که معمولا، به اشتباه، بری را به عنوان آهنگساز این قطعه معروف می‌شناسند، نورمن بیش از یک بار برای دفاع از نقشی که در خلق این موسیقی داشته به دادگاه رفت و حتی یک بار موفق شد روزنامه ساندی تایمز را در محضر قانون شکست دهد. نورمن که در سال ۱۹۲۸ میلادی متولد شد، فرزند دو مهاجر یهودی بود و در ایست اند لندن زندگی می‌کرد. وی در دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰ در چند گروه موسیقی معروف به خوانندگی پرداخت و در اواخر دهه ۵۰ کار ترانه‌نویسی برای موزیکال‌ها را نیز آغاز کرد. این هنرمند انگلیسی در سال ۱۹۶۱ در ساخت موزیکال بل همکاری کرد و با این کار توجه تهیه کننده جیمز باند را به مهارت‌های خود جلب کرد.

پایان تولید فیلم کوتاه «تمجیزک»

فیلمبرداری فیلم کوتاه «تمجیزک» با نگاهی نو به مقوله اعتیاد به پایان رسید. «تمجیزک» را محمد کدخدازاده به تهیه‌کنندگی علیرضا آغاز ساخته است و تلاش بر آن بوده که در قالب داستانی پرپیچ و خم، عواقب عادت‌های افیونی جدید که طیف مختلفی از افراد عادی تا چهره‌های شناخته‌شده را درپرمی‌گیرد واکاوی شود. محمدرضا شامحردی، بهادر محمدنژاد، رحمان اسلامی، محمدرضا پیغمبری، محمدامین زارعی، گلناز زجاجی، آراد محمدی، متین الیاسی، احمد شریفی‌فرد، پویا لنگری، کیانا کدخدازاده و نرگس یزدی بازیگران فیلم تمجیزک هستند و این فیلم که از محصولات آغازمدیا است آماده حضور در جشنواره‌های مختلف می‌شود. علیرضا آغاز تهیه‌کننده فیلم تمجیزک که سابقه سال‌ها سینماداری دارد، از اولویت خود مبنی بر حمایت از طرح‌های نو و در عین حال مبتنی بر مختصات پرده عریض سینما گفته و اینکه امیدوار است به این طریق بتواند مسیری ایجاد کند برای ایجاد تنوع در تولیدات سینمایی. تمجیزک از جمله فیلم‌هایی است که بی موضع‌گیری له یا علیه عادات بشری به ارائه تحلیل و نوعی روان‌درمانی تصویری درباره این عادات پرداخته است. فهرست عوامل تولید فیلم تمجیزک عبارتند از: تهیه کننده: علیرضا آغاز/نویسنده و کارگردان: محمد کدخدازاده/بازیگران: محمدرضا شامحردی، بهادر محمدنژاد، رحمان اسلامی، محمدرضا پیغمبری، محمدامین زارعی، گلناز زجاجی، آراد محمدی، متین الیاسی، احمد شریفی‌فرد، پویا لنگری، کیانا کدخدازاده و نرگس یزدی/مدیریت تبلیغات و اطلاع‌رسانی: مدیاژورنال/محصول آغازمدیا

جانی دپ درباره دادگاه امبر هرد آهنگ ساخت

ستاره مجموعه فیلم‌های «دزدان دریایی کارائیب» یک آهنگ درباره دادگاه اعاده حیثیت علیه همسر سابقش را در آلبومی که به زودی منتشر می‌کند، گنجاند. به گزارش ایرنا از گاردین، جانی دپ یک آهنگ در باره دادگاه امبر هرد ساخته که این آهنگ روز جمعه ۱۵ ژوئیه (۲۴ تیر ۱۴۰۱) منتشر می‌شود و یکی از دو ترانه‌ای است که دپ برای آلبوم مشترک خود با جف بک، گیتاریست انگلیسی، نوشته است. آلبوم ۱۸ که در ۳ سال گذشته ضبط شده، علاوه بر این دو قطعه ۱۳ آهنگ دارد که بیشتر کاور آثار هنرمندان مطرحی چون جان لنون، بیچ بویز و ولوت آندرگراوند هستند. جانی دپ ۵۷ ساله و امبر هرد ۳۴ ساله پس از چهار سال آشنایی، در فوریه سال ۲۰۱۵ در لس‌آنجلس ازدواج کردند و در سال ۲۰۱۷ کار آنها به طلاق کشید. رابطه زناشویی این زوج هالیوودی در این دو سال فوق‌العاده پرتنش بود و حتی با توهین و برخوردهای فیزیکی همراه شد. تاکنون هر یک دیگری را به شروع درگیری متهم کرده است. در این میان، جانی دپ سخت تلاش می‌کند کارنامه خود را از ننگ همسرآزاری و ضرب و شتم همسر سابقش پاک کند. وی در همین راستا علاوه بر شکایت علیه روزنامه سان، از امبر هرد نیز به‌خاطر مطلبی که علیه او و با اتهام خشونت خانگی در روزنامه واشنگتن پست منتشر کرده، شکایت و درخواست دریافت ۵۰ میلیون دلار غرامت کرد و موفق شد دادگاه را به نفع خود به پایان برساند. ستاره فیلم‌های چارلی و کارخانه شکلات سازی و ادوارد دست قیچی در جریان دادگاه بارها همراه بک روی صحنه رفت و قرار است در تور اروپایی این گیتاریست نیز در کنسرت حاضر شود.